

نگاه به تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی و حقوق خانواده جمهوری اسلامی ایران

فائزه خانقلی

دانشجوی ارشد رشته فقه و حقوق خصوصی، تهران.

چکیده

موقعی که دادگاهها با رابطه‌ای حقوقی که در آن یک عنصر خارجی وجود دارد، مواجه می‌شوند بحث تعارض قوانین به میان می‌آید. مساله اصلی این مقاله نگاه به تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی و خانواده در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این موضوع از این نظر دارای اهمیت است که رابطه‌های حقوقی دارای عنصر خارجی دارای نظام قانونمندی باشند و هدف از این مقاله تلفیق و ترکیب مصالح و منافع متعارض در مورد انتخاب قانون صلاحیت‌دار می‌باشد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی با منابع کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع می‌پردازد. یافته‌ها نشان از این است که در بحث تعارض قوانین خانواده، افزایش سطح آگاهی و شناخت زوجین نسبت به اصول حاکم بر خانواده و حقوق ناشی از آن می‌تواند در تحقق عملی این اصول نقش موثری داشته باشد.

واژگان کلیدی: تعارض قوانین، حقوق بین الملل خصوصی، احوال شخصیه، تعارض متحرک



مقدمه

یکی از بحث های اساسی و مهم حقوق بین الملل خصوصی تعارض قوانین می باشد. وقتی که یک رابطه حقوق خصوصی به علت وجود یک یا چند عنصر خارجی، مانند تابعیت خارجی یکی از طرفین رابطه، با قوانین دو یا چند کشور ارتباط یابد و قوانین این کشورها نسبت به آن رابطه دارای حکم یکسانی نباشند، مسئله تعارض قوانین پیش می آید. تعارض قوانین سه اسم متفاوت دارد که عبارتند از: تعارض قوانین، حقوق بین الملل خصوصی، حقوق خصوصی بین المللی. این واژه ها به جای یکدیگر استعمال می شوند. البته هیچ یک از نام های فوق نه دقیق اند و نه کاملاً توصیفی. لذا اصطلاح تعارض قوانین بیشتر در ادبیات حقوقی کشورهای دارای نظام کامن لا از قبیل آمریکا؛ انگلیس، کانادا و استرالیا و.... کاربرد دارد. واژه حقوق بین الملل خصوصی در فرانسه، ایتالیا، یونان و کشورهایی که به زبان اسپانیایی و پرتغالی تکلم می کنند و همچنین در آلمان و کشورهای آلمانی زبان و روسیه و.... متداول است. به کاربرد این اصطلاح سبب گمراهی هم می شود، چرا که از این اصطلاح برای یافتن راه حل از میان چند نظام حقوقی رقیب استفاده می کنند. ابتدا قواعد حل تعارض را اعمال می کنند و یک قانون؛ از میان چندین قانون رقیب، برای حاکم شدن، بر رابطه حقوقی مورد اختلاف انتخاب می گردد. لیکن تعارض میان نظام های حقوقی رقیب همچنان در جای خود باقی است. (الماسی، 1401: ص 4-5)

موضوع تعارض قوانین در روابط خانوادگی زمانی مطرح می شود که در مساله حقوق خصوصی که مربوط به مصادیق روابط خانوادگی باشد، یک عنصر خارجی در قضیه وجود داشته باشد. بنابراین، در یک دعوای مربوط به روابط خانوادگی داخلی که بین اتباع یک کشور اتفاق می افتد و محل اجرای آن نیز همان کشور است، آشکار است که مسأله تعارض قوانین در دادگاههای این کشور وجود نخواهد داشت، بلکه قواعد و قوانین داخلی همان کشور بر چنین دعوایی اعمال خواهند گردید. اما چنان چه یکی از عناصر خارجی موجود باشد، مسائل متعددی مطرح خواهند شد که قانون کشور خاصی باید آنها را حل نماید. در مسأله تعارض قوانین در روابط خانوادگی همواره این سؤال مطرح میشود که کدام قانون سیستم حقوقی بر مسأله متنازع فیه حاکم خواهد بود. قانون حاکم یا قابل اعمال در هر مورد، توسط قاعده مربوطه تعارض قوانین (قاعده حل تعارض) مشخص خواهد شد.

روش تحقیق:

پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی با روش توصیفی تحلیلی به بررسی نگاه به تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی و خانواده در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

1- مفاهیم

1-1- تعارض قوانین:

هنگامی که یک رابطه ی حقوقی به واسطه ی دخالت یک یا چند عامل خارجی به دو یا چند کشور مرتبط و قوانین آن کشورها در خصوص آن وضعیت حقوقی احکام متفاوتی داشته باشد، به طوری که در نهایت آثار مختلفی از خود تولید نمایند، تعارض قوانین مطرح میشود که برای یافتن راه حل و اجرای قانون مناسب، مجبور به انتخاب بین این قوانین خواهیم بود مفهوم اصلی در تعارض قوانین، تلفیق و ترکیب مصالح و منافع متعارض در مورد انتخاب قانون صلاحیت دار میباشد تا از میان قوانین کشورهای مربوطه، قانون کشوری که با آن رابطه تناسب بیشتری دارد انتخاب گردد. این قانون ممکن است قانون کشور مقرر دادگاه باشد یا قانون یک کشور خارجی که با اعمال قاعده حل تعارض بدست می آید؛ برخلاف برخی مسایل خاص که ممکن است تحت تأثیر قواعد حقوق عمومی و مصلحت سیاسی قرار بگیرد (ارفع نیا، 1382: ص 3).



1-2- حقوق بین الملل خصوصی:

تعارض قوانین یا حقوق بین الملل خصوصی مجموعه قواعدی است که برای تعیین نظام حقوقی حاکم قانون ایران یا قانون خارجی و اعمال آن در اختلافات مطروحه نزد دادگاه یا داورهای بین المللی مورد استفاده قرار میگیرد. این قواعد نوعاً وقتی به کار میآیند که دعوی حقوقی متضمن یک عنصر خارجی باشد. مثل قرارداد میان اتباع کشورهای مختلف با بازرگانان ایرانی. ویژگی قواعد حقوق بین الملل خصوصی در آن است که محتوای مسالهای را فوراً حل نمی کند. بلکه دادگاه یا هیات داور بین المللی به کمک قواعد حل تعارض میتواند قانون ماهوی یا قواعد حقوقی قابل اعمال را از میان چند قانون رقیب و مرتبط با رابطه حقوقی انتخاب و بر ماهیت اختلافات جاری کند. بر این باورند که اعمال آن بر مساله پیش رو می تواند اختلافات را موافق با عدالت حل و فصل کند. بنابراین موضوع تعارض قوانین را می توان به شرح زیر تعریف نمود، در مسائلی که ارکان آن با بیش از یک کشور مرتبط باشد تعارض قوانین با انتخاب قانون مناسب آن را بررسی و مساله حقوقی مبتلا را با قواعد مادی عادلانه حل می نماید.(الماسی، 1368: ص 29)

1-3- احوال شخصیه :

در بحث تعارض قوانین با بحث دسته های ارتباطی مواجه هستیم. در روابط بین الملل، برای تعیین قانون حاکم بر قضیه مطروحه، موضوع متنازع فیه را باید به طور صحیح درک کرد و هر مسأله را داخل در یک دسته حقوقی هم جنس و هم نوع به نام دسته ارتباطی کرد. دسته های ارتباطی در واقع دسته های حقوقی هستند که روابط و موضوعات حقوقی متجانس در آن قرار می گیرند تا بر آنها قانون واحدی حاکم باشد.(الماسی، 1390: ص 18) در حقوق بین الملل خصوصی هر کشور، دسته های ارتباطی بسیار متنوعی نظیر احوال شخصیه، اموال، قراردادهای، اسناد، وقایع و اعمال حقوقی وجود دارند (ارفع نیا، 1379: ص 12) که بررسی هر یک از این دسته های مذکور، نیاز به تحلیل جداگانه دارد. از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی، احوال شخصیه مهمترین بحث عملی تعارض قوانین تلقی می شود. احوال شخصیه امور و اوصاف مربوط به شخصی است که وضع و حالت او را صرف نظر از شغل و مقام خاص او در خانواده، اجتماع و کشور معین می کند، این اوصاف جنبه شخصی داشته و قابل تقویم و مبادله به پول نمی باشد. در اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصطلاح احوال شخصیه شامل ازدواج، ترتیب اموال زوجین، طالق، افتراق، جهیزیه، ابوت، نسب، فرزندخواندگی، اهلیت، بلوغ، ولایت و قیمومت، حجر، حق وراثت، وصایت، تصفیه و تقسیم ما ترک و کلیه مسائل و امور مربوط به حقوق خانوادگی دانسته شده است.

1-4- تعارض متحرک

مسئله تعارض متحرک عبارت است از وضعیتی که مطابق آن، یک رابطه حقوقی در دو زمان متوالی به دو سیستم حقوقی متوالی مربوط گردد.(الماسی، 1396: ص 102). گذشت برهه ای از زمان بین تاریخ پیدایش یک رابطه حقوقی و تاریخ اقامه دعوی راجع به آن در صورتی که در این فاصله پدیده ای روی داده که رابطه حقوقی را از قلمرو حکومت حقوق بین الملل خصوصی یک کشور خارج و در قلمرو حقوق بین الملل کشور دیگر داخل کرده است، مسئله تعارض متحرک را مطرح می کند(صفایی، 1393: ص 126). حقوقدانان فرانسوی تعریف مشابهی از تعارض متحرک ارائه داده اند. آنها تعارض متحرک را عبارت می دانند از تعارض قوانین در زمان که ناشی از تغییر عامل ارتباط در مکان است(Niboyet, 2013: 375).

2- پیشینه تعارض بین الملل

براساس اطلاعات بدست آمده دریافتیم، که یونان اولین کشوری است که به مسائل بین کشورها از دید تعارض قوانین توجه داشته ولی پیدایش این بینش منجر به پیدایش قواعد حل تعارض به مفهوم رایج عصر حاضر نشد. پس از یونان تحولات اساسی تعارض قوانین را میتوان در حقوق روم مشاهده کرد. حقوق مدنی روم بر اشخاص غیر رومی جاری نمی شد. محاکم خاصی صلاحیت پرداختن به مسائل بین کشورها (وجود عناصر خارجی) را داشتند.

تعارض قوانین مدرنتر در اواخر قرون وسطی در شرق ایتالیا به خصوص در شهرهایی که تجارت رونق فراوان داشته مثل جنوا و پیزا و ونیس رواج داشت. ضرورت حل اختلافات تجاری میان بازرگانان شهرهای مختلف سبب شد که تئوری و قانون در آنجا توسعه یابد. بدین



ترتیب قانون برخی از شهرهای ذکر شده به عنوان قانون شخص هر جا عملی انجام دهند این قانون در مورد ایشان اعمال می شود و قانون شهرهای دیگری را قانون اموال عینی به حساب می آورند. اعمال این قاعده به اعمال قانون محلی منتهی می شد که مال در آن جا قرار داشت.

قرن هجدهم شاهد پیشرفت های عمده در تعارض قوانین بوده و از آن زمان تاکنون همچنان در حال تحول می باشد. اکنون در هزاره سوم به ساز و کارهای تجارت بین الملل با زعامت آمریکا و اتحادیه اروپا و برخی کشورهای این دو قاره برای مدیریت بر اقتصاد جهان به سود خویش فراهم آورند، نوای هم نوایی و یکسان سازی قوانین تجاری و مدنی با قوت بیشتری نواخته می شود و نوید ظهور و شکل گیری دهکده جهانی در هزاره سوم را سر داده اند، گام های اولیه را حداقل در دو قاره در دو سوی اقیانوس اطلس برداشته اند. بنابراین تازه ترین تحول در قاره اروپا در سنوات 2007 و 2008 مقرراتی هستند که در اتحادیه اروپا برای یکسان سازی حقوق خصوصی در حوزه تعهدات با رویکرد کنوانسیون 1980 رم اتفاق افتاد. طی بیست و هشت سال فاصله کنوانسیون رم و تصویب مقررات معروف به رم – یک و رم – دو پارلمان و شورای اروپا با برخورداری از خدمات کارگروه های تخصصی و کمیسیون اروپا تغییرات قابل توجهی در مقررات کنوانسیون رم به وجود آوردند.

3- تعارض قوانین در حقوق بین الملل

از جمله عوامل پیدایش تعارض قوانین می توان به توسعه روابط و مبادلات بین المللی؛ امکان اغماض قانونگذاری ملی و امکان اجرای قانون خارجی و وجود تفاوت بین قوانین داخلی کشورها اشاره کرد.

3-1- توسعه روابط و مبادلات بین المللی

مسئله تعارض قوانین در صورتی می تواند مطرح شود که یک رابطه حقوقی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند. در دورانی که افراد بیشتر در چهار دیواری کشور خود محصور بودند مسئله پیدایش تعارض قوانین به ندرت مطرح می شد اما همین که امکان گسترش روابط خصوصی افراد در زندگی بین المللی به وجود آمد و دولت ها نیز به توسعه مبادلات بین المللی مبادرت کردند، توسعه و پیدایش تعارض قوانین امکان پذیر شد.

3-2- امکان اغماض قانونگذاری ملی و امکان اجرای قانون خارجی

شرط ضروری دیگر این است که قانونگذار و قاضی یک کشور گذشت داشته باشند و در مواردی قبول کنند که قانون کشور دیگری را اجرا کنند. اگر قانونگذار ملی فقط قانون کشور خود را صلاحیت دار بداند و قاضی نیز همیشه مکلف باشد که قانون خود را به مرحله اجرا درآورد دیگر مسئله تعارض قوانین مطرح نخواهد شد.

3-3- وجود تفاوت بین قوانین داخلی کشورها

سومین شرط این است که در خصوص یک مسئله حقوقی واحد که به دو یا چند کشور ارتباط پیدا می کند در قوانین داخلی این کشورها احکام متفاوتی وجود داشته باشد، زیرا چنانچه راه حل قوانین کشورهای مختلف یکسان باشد دیگر انتخاب این یا آن قانون به خصوص عملاً بی فایده خواهد بود. به همین دلیل هرگاه قواعد مادی کشورهای مختلف یکنواخت شود تعارض قوانین مصداقی پیدا نخواهد کرد.

3-4- نحوه برخورد با تعارض قوانین

برای رهایی از تعارض قوانین و برگزیدن قانون مناسب و صالح، از روش های گوناگونی می توان بهره گرفت؛ هرگاه قوانین با درجه متفاوتی از اهمیت، دارای احکامی متعارض باشند، قانونی که اهمیت بیشتر دارد و به عبارتی بالادستی است، حاکم می شود.



برای نمونه، چنانچه تعارض میان قانون اساسی و سایر قوانین رخ دهد، مفاد قانون اساسی برتری داشته و اجرا می‌شود. هرگاه دو قانون از نظر اهمیت یکسان باشند اما در زمان‌های متفاوتی تصویب شده باشند، اصولاً قانونی که دیرتر مصوب شده است، اجرایی می‌شود. تعارض قوانین در حقوق بین‌الملل خصوصی جایگاهی خاص‌تر دارد. در نظام حقوقی Civil Law نظام حقوقی حاکم بر کشورهایمانند فرانسه، آلمان، سوئیس و... تعارض قوانین هنگامی مطرح می‌شود که در یک اختلاف حقوقی، یک عنصر خارجی دیده شود. متخصصان حقوق بین‌الملل خصوصی ما هم آن را به «تعارض میان قوانین دو یا چند کشور که باید از میان آنها قانون صلاحیت‌دار را برگزید و آن را به موقع به اجرا گذاشت» تعریف کرده‌اند.

هنگامی که روابط میان دولت‌ها به گستردگی امروز مطرح نبود و تابعین هر کشور صرفاً در محدوده همان کشور رفت و آمد می‌کردند، مسأله تعارض قوانین هم جایگاهی نداشت اما وقتی ارتباطات میان افراد از سطح ملی خود فراتر رفت، در پی این رابطه‌ها اختلاف‌هایی مطرح شد.

از آنجایی که در این اختلاف‌ها چندین کشور و به تبع آن چندین قانون دخیل بودند، بحث تعارض قوانین مطرح شد. نکته مهم اینجاست که وقتی در مورد موضوع دعوا، با قوانین چند کشور در ارتباط هستیم، اگر قوانین آنها احکامی متفاوت را بیان کنند، تعارض پدید می‌آید. اما چنانچه در موضوعی، احکام کشورها یکسان باشد، اصل تعارض منتفی است.

3-5- تعارض قوانین و دسته‌های ارتباطی

با بروز اختلاف در احکام قوانین کشورهای دخیل در دعوا، با توجه به قانونی که نسبت به طرفین مناسب‌تر است یا با نگاه به قانون دولتی که مسئله تعارض در آن مطرح است، به فراخور هر مسئله، قانونی را که احکام آن حل‌کننده دعواست، برمی‌گزینیم. یعنی در اینجا به قانون خود مراجعه می‌کنیم تا ببینیم از قانون کدام کشور باید بهره گرفت. در حال حاضر، همه نظام‌های حقوقی دنیا، مسایل گوناگونی را که موضوع دعوا قرار می‌گیرند، به دسته‌هایی مشخص تقسیم‌بندی می‌کنند. این دسته‌ها که به دسته‌های ارتباطی موسومند، مسایل را به تناسب موضوع، در خود گنجانده‌اند.

برای نمونه، مسایلی که با محوریت شخصیت فرد برای او رخ می‌دهند (مواردی از جمله ازدواج، تعیین سن بلوغ، احراز زمان رشد فرد و خروج او از حجر) در دسته اشخاص قرار می‌گیرند. مسایل مرتبط با خانه و زمین نیز در دسته اموال قرار می‌گیرند. پس از تعیین دسته‌ها، هر کشور قانون مکانی خاص را برای رسیدگی به هر دسته صالح می‌شمرد. برای نمونه، کشور ما در خصوص دسته اموال، قانون محلی را که ملک در آنجا واقع شده است، برای رسیدگی به دعوی مربوط به اموال غیرمنقول صالح می‌داند. بنابراین اگر دعوایی در خصوص ملکی واقع در آلمان، در دادگاه‌های ایران مطرح شود، دادگاه باید بنا بر قوانین آلمان به آن رسیدگی کند.

کشورها در خصوص دسته‌بندی مسایل حقوقی و نیز قانونی که بر هر یک از آن دسته‌ها حاکم است، رویکردهای متفاوتی دارند. همین تفاوت رویکردها نیز به دشواری بحث تعارض قوانین می‌افزاید. در پایان به طور خلاصه می‌توان گفت، هرگاه چند عنصر بین‌المللی در دعوایی دخیل باشند، دادگاه باید قانون یکی از این عناصر را به‌عنوان قانون حاکم بر دعوا برگزیند. برای این‌گزینه‌ش، نخست باید دید اختلاف پیش‌آمده در کشور محل دادگاه در کدام دسته جای دارد. پس از تعیین دسته نیز باید بررسی کرد که کشور محل دادگاه، کدام قانون را بر دسته مورد نظر صالح می‌داند. سرانجام، قاضی بنابر قانون مزبور به دعوا رسیدگی کرده و حکم مناسب را استخراج می‌کند.

4- تعارض قوانین در خانواده

تعارض قوانین به طور کلی یکی از مباحث مهم و پیچیده حقوق است و تعارض قوانین در روابط خانوادگی به طور خاص موضوعی بغرنج و دارای اهمیت ویژه می‌باشد. به خصوص که با گسترش روابط بین‌الملل، روابط بین اتباع دولتها دستخوش تحولات عمیق شده است. موضوع تعارض قوانین در روابط خانوادگی زمانی مطرح می‌شود که در مساله حقوق خصوصی که مربوط به مصادیق روابط خانوادگی باشد، یک عنصر خارجی در قضیه وجود داشته باشد. بنابراین، در یک دعوی دعوی مربوط به روابط خانوادگی داخلی که بین اتباع یک



کشور اتفاق میافتد و محل اجرای آن نیز همان کشور است، آشکار است که مسأله تعارض قوانین در دادگاههای این کشور وجود نخواهد داشت، بلکه قواعد و قوانین داخلی همان کشور بر چنین دعوایی اعمال خواهند گردید. اما چنان چه یکی از عناصر خارجی موجود باشد، مسائل متعددی مطرح خواهند شد که قانون کشور خاصی باید آنها را حل نماید. در مسأله تعارض قوانین در روابط خانوادگی همواره این سؤال مطرح می شود که کدام قانون سیستم حقوقی بر مسأله متنازع فیه حاکم خواهد بود. قانون حاکم یا قابل اعمال در هر مورد، توسط قاعده مربوطه تعارض قوانین قاعده حل تعارض مشخص خواهد شد. مجموعه این قواعد در هر سیستم حقوقی قواعد حل تعارض قوانین مربوط به روابط خانوادگی آن سیستم را تشکیل میدهد. بنابراین، قواعد تعارض قوانین یک سیستم حقوقی در مورد روابط خانوادگی شامل آن دسته از قواعد قانون ملی یک کشور است. که دادگاهها (به خصوص دادگاههای همان کشور) آنها را به کار می برند تا دعوایی را که در آن عنصر خارجی وجود دارد، حل و فصل نمایند. (پورقهرمانی، 1395: ص1)

خانواده از منظر اسلام، حریمی خصوصی، کانونی مقدس، مامن انسان در تمامی ابعاد و خاستگاه رشد و تکامل است (میرخانی، 1394). طبع چنین خانواده ای با حقوق و احکام آمرانه ای آن سازگار نیست و قوانین در انتظام بخشیدن به آن اثر ناچیزی دارد (کاتوزیان، 1394: ص115)، زیرا آنچه عوامل پیوند دهنده اعضای خانواده است حس تعاون و همکاریست نه حس قدرت طلبی و استثمار درصد بهره کشی از یکدیگر. لذا نمی توان حقوق خانواده را صرفا با نگاه فردگرایانه توجیه کرد و تنها به تبیین حقوق و تکالیف اعضاء پرداخت. بلکه حقوق خانواده در پی اهداف بلند دیگریست که برای شناخت آن ها باید به مصالح، مفسد و نظر شارع توجه نمود (حکمت نیا و همکاران، 1386: ص96).

حال آن که در پی مسئله تعارض قوانین در خانواده باید به این سوال پاسخ دهیم که چگونه می توان خانواده را از پرتگاهی که در آن گرفتار آمده نجات داد؟ درک پاسخ به این سوال در گرو توجه به اصول حاکم بر خانواده که منشعب از نظام قانونگذاری الهی هستند، می باشند در شریعت اسلام، قانون گذری که به صورت «ان الحکم الا الله» بیان شده حق مطلق پروردگار حکیم است. (جوادی آملی، 1391: ص245). زیرا اوست که می تواند با در نظر گرفتن تمام ابعاد هویت انسانی و متناسب با هر کدام از سطوح زندگی و وجودی انسان، قانون گذاری نماید. (میرخانی و همکاران، 1393: ص85).

4-1- اصول اساسی حاکم بر خانواده از نظر تعارض قوانین

بر نظام خانواده اصولی حاکم است؛ که عدم التزام عملی نسبت به این اصول، سبب بروز اختلاف و کشمکش در خانواده می گردد. در ادامه به اصول حاکم بر خانواده و حقوقی که هر یک از این اصول برای زوجین ثابت می کنند و آثار نقض این اصول اشاره می شود.

الف- اصل خدامحوری (نه زن مدار و نه مرد مدار)

اصل خدامحوری به اصل توحید برمیگردد. در نظام قانونگذاری الهی همهی کثرات به وحدت میرسند و برخالف قانونگذاری بشری، در قانونگذاری توحیدی هیچگونه اختلاف و ناهمگونی مشاهده نمی شود

در فرهنگ غنی و اصیل اسلامی، آنچه محور همه ی قوانین و اوامر و نواهی است؛ حق مداری، حقیقت جویی و اصولگرایست؛ لذا در این فرهنگ حاکمیت مطلقه در ابعاد مختلف زندگی و مالکیت حقیقی از آن خداست؛ و در عرصه زندگی ظاهری همه بهره ورپها، اعتباریست و هیچکس اجازه ی سلطه و اعمال قدرت ندارد، مگر در طول سلطنت و حاکمیت خداوند متعال. از اینرو زندگی بر محور حق سالاری بنا شده، نه مرد سالاری یا زن سالاری (میرخانی، 1380: ص189) از اینروست که قرآن کریم دایره ی هستی و قوانین آن را «تلك حدود الله» معرفی می کند..

بنابراین زوجینی که اساس زندگی آنها بر محوریت توحید است، در شرایط اختلاف، با لجاجت کانون خانواده را متلاطم نمی کنند و مورد اختلاف خود را به دین عرضه می دارند و مطابق این اصل زوجین حق دارند با محوریت حق تعالی، به کشمکشها پایان دهند؛ حق دارند دین خود را انتخاب و آن را بشناسند و مطابق دستورات آن عمل کنند. لذا خودمحوری در خانواده و بازداشتن افراد از دستیابی به حقوق مذکور نقض آشکار این اصل به شمار میرود.



ب- اصل تقدم مصلحت جمعی بر منافع فردی

تقدم مصلحت جمعی بر منافع فردی یکی از اصول مهمی است که مستنبط از مبانی اسلامی است. آیات و روایات متعددی به ضرورت تقدم مصلحت جمعی بر منافع فردی دلالت دارند. طبق آیه 19 سوره نساء، اگر زن و شهری پس از پیوند ازدواج، به دلایلی همسر خود را مطابق با معیارهای خود نیافتند، اما به دلیل مصالح خانواده و حفظ این پیوند، کراهت و بی میلی باطنی خود را نسبت به همسر خود بروز ندادند، خداوند متعال آنها را از خیرات و برکات بهره مند می سازد.

ج- اصل سکونت و آرامش

قرآن کریم هدف از ازدواج را سکون و آرامش معرفی می کند. در سوره روم آیه 21 اشاره به این دارد که این آرامش از این ناشی می شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می باشند، به طوری که هریک بدون دیگری ناقص است (مکارم شیرازی، 1376: ص 269).

نکته مهم در آیه مذکور این است که، لازم نیست زن و شوهر تلاشی در جهت ایجاد مودت و رحمت در بین خود کنند، چرا که خداوند بین آنها محبت و رحمت قرار داده است (حکمت نیا، 1396: ص 56). بنابراین اگر زندگی خانوادگی به حکم عقل ضرورت داشته باشد، برانگیختن عواطف و محبت اعضای خانواده مهمترین عامل حفظ استحکام و پایداری آن است. (مصباح یزدی، 1390: ص 345).

د- اصل عدم ضیق و ضرر

در دین مبین اسلام شیوه ی قانونگذاری به گونه ایست که از یک طرف بر ترویج روش های پسندیده و انسانی، معاشرت نیکو و فضائل اخلاقی تأکید میکند، و از طرف دیگر در قالب نهی و نفی، دست مرد را از اعمال هر گونه ستم و بی عدالتی و وارد کردن ضرر و ضیق و سخت مینندد. قرآن کریم در اینباره میفرماید:

در آیه 231 سوره بقره می فرماید، مرد را از نگه داشتن زن به منظور آزار و زیان رساندن به او منع کرده است.

در آیه 6 سوره طلاق، مرد نباید در مورد نفقه و مسکن به مطلقه ی رجعیه سخت بگیرد.

و در آیه 233 سوره بقره، می فرماید مادر نباید در مورد حضانت، شیردهی و خوراک و پوشاک در دوران شیردهی دچار ضرر و زیان گردد.

بدین ترتیب مطابق این اصل قرآنی هیچ یک از زن و شوهر نباید به واسطه ی زندگی خانوادگی دچار مشقت، ضیق و ضرر شوند. حقوق ناشی از این اصل دارای مصادیق بی شماری است و هرگونه اقدامی که سبب ورود مشقت و ضرر به هریک از زوجین شود ناقض این اصل می باشد.

ز- اصل معاشرت به معروف

زن در دوره جاهلیت از حداقل جایگاه برخوردار بوده و غالباً شبیه یک شیء بود که موضوع رفتار قرار می گرفت نه طرف رفتار. اسلام این نگرش را تغییر داد و زن را از موضوع رفتار به طرف رفتار تبدیل کرد، طرفی که دارای کرامت و منزلت متعالی است (حکمت نیا، 1396: ص 265).

و- اصل تشار و تراضی

در خانواده وظایف مشخصی بر عهده پدر و مادر قرار داده شده است؛ اما اداره ی خانواده میتواند همراه با مشورت صورت گیرد؛ زیرا اداره ی خانواده به صورت جمعی و مشترک امکان پذیر نیست؛ اما تعیین مسئولیت اداره در مرحله اختیار داشتن و مشاوره در مرحله انجام دادن مطلوب است (حکمت نیا، 1396: ص 412).

در واقع ممکن است زن و شوهر دارای اندیشه ها و خواسته های متفاوت و ناهمگونی باشند، اما در بسیاری از موارد، همسران می توانند با هم فکری و مشورت با یکدیگر تعارضات را کاهش دهند و در سایه ی یک همدلی خیرخواهانه اختلافات خانوادگی را حل کنند (مصباح



یزدی، 1390) زیرا همان طور که حضرت رسول (ص) بیان داشته اند: «... کسی که در کارها با مردم مشورت می کند پشیمان نمیشود» (مجلسی، 1389: ص 263)

بنابراین این اصل حق مورد مشورت قرار گرفتن در امورات مختلف زندگی خانوادگی و محترم شمردن نظرات را برای زوجین ایجاد می کند؛ که دیکتاتوری و خودرأی بودن و بی توجهی به نظرات و عقاید همسر از مصادیق نقض این اصل به شمار می رود.

4-2- عوامل تاثیر گذار در بروز تعارضات خانوادگی:

در دنیای مدرن نهاد مقدس خانواده همواره در معرض تهدیدها و عوامل آسیب زای فراوانی قرار دارد، که هر کدام به نحوی میتوانند ستونهای این نهاد را مورد تهاجم قرار دهند و سبب بروز آشفتگی، رهایی عاطفی و در نهایت فروپاشی شوند. (احمدی، 1400: ص 118). در پی بررسی نتایج پژوهشهای پیشین در زمینه آسیب شناسی مسائل و مشکلات خانواده، به دو دسته داده دست یافتیم: دسته ی اول، چالشها و مسائل پیشروی خانواده و دسته ی دوم، علل بروز این آسیبها و چالشها. با توجه به داده های گردآوری شده، افزایش آمار طلاق، افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ باروری، کاهش ازدواج، بدسرپرستی، خشونت خانگی، اعتیاد به مواد مخدر، اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی، خیانت زناشویی، از جمله مسائلی هستند که خانواده را با بحران جدی تعارض مواجه کرده است. با مقایسه تک تک علل موثر در بروز مشکلات خانوادگی مذکور و آثار نقض حقوق ناشی از اصول حاکم بر خانواده دریافتیم بخش اعظم این علل با آثار نقض اصولی دارای فضای معنایی مشترک هستند و در حقیقت با حقوق ناشی از اصول در تناقض و تعارض هستند لذا علل بروز مشکلات خانوادگی با اصولی که این حقوق از آنها منتج شده اند نیز در تعارض هستند.

نتیجه گیری:

با توجه به مطالب ذکر شده در این مقاله نتیجه می گیریم که، قواعد حقوق بین الملل خصوصی به صورت عام و قواعد تعارض قوانین به طور خاص از یک سو از مباحث پیچیده ای در علم حقوق می باشند و از سوی دیگر دستخوش تغییرات و دگرگونیها بسیار و روز افزون است. و همچنین عموم قاعده های تعارض سیستم های حقوقی که به درستی از آنها به عنوان قاعده های حل تعارض بوجود آمده برای دادگاه در رسیدگی به یک اختلاف را حل می کنند.

و نکته دیگری که متوجه شدیم این است که در حقوق بین الملل خصوصی مسئله زمان اغلب به سه شکل یعنی حقوق انتقالی قواعد حل تعارض قوانین، تعیین محدوده زمانی اعمال و اعتبار برای دو قاعده حل تعارض در موضوع واحد در برابر یکدیگر است. در بحث تعارض قوانین خانوادگی، در حقیقت هریک از این اصول ناظر به بخشی از زندگی خانوادگیست و روابط بین افراد را اصلاح و تنظیم می کند و در خانواده افرادی با منش انسانی تربیت می کند. در هر جامعه ای که این اصول در خانواده کمرنگ می شود و مورد غفلت قرار بگیرد، تعارضات و آسیب های خانوادگی ظهور و بروز می یابند و برعکس پابندی نسبت به اصول حاکم بر خانواده و حقوق ناشی از آن بسیاری از تعارضات را از بین می برد و زمینه ی گفتگو و مفاهمه را فراهم می کند. بنابراین از آن جا که استحکام خانواده در گرو توجه و عمل به اصول حاکم بر خانواده است، پیشنهاد می شود اصول حاکم بر خانواده به عنوان فضای گفتمانی قاعده ساز مورد عنایت مسئولین امر قرار گیرد و قانون گذار با در نظر گرفتن فضای گفتمانی این اصول به قانون گذاری بپردازد.

منابع :

- قرآن کریم
- 1. احمدی، نیره و همکاران(1400)، ظرفیت اصول حاکم بر خانواده در حل تعارضات خانوادگی، فصلنامه مطالعات زن و خانواده، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء، دوره 9، شماره 3، صص 102-128.
- 2. پورقهرمانی، زهرا(1395)، تعارض قوانین در روابط خانوادگی، کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی، اسفندماه.
- 3. جوادی آملی، عبدالله(1391)، مفاتیح الحیاة، قم ، نشر اسراء
- 4. حکمت نیا، محمود(1386)، فلسفه حقوق خانواده، جلد 1، تهران، شورای فرهنگ اجتماعی زنان.
- 5. حکمت نیا، محمود(1396)، حقوق زن و خانواده، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- 6. کاتوزیان، ناصر(1389)، حقوق انتقالی تعارض قوانین در زمان، چاپ چهارم، تهران: میزان.
- 7. الماسی ، نجادعلی(1401)، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، میزان.
- 8. الماسی، نجادعلی(1396)، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ هفدهم، تهران، میزان.
- 9. مجلسی، محمدباقر(1389)، حلیه المتقین، قم، پیام علمدار.
- 10.Niboyet, J.P., M. Laure,(2013). Droit international privé, L.G.D.J

Looking at the conflict of laws in private international law and family law of the Islamic Republic of Iran

Faezeh Khanqholi

Senior student of jurisprudence and private law, Tehran, 09198379700

Abstract

When the courts are faced with a legal relationship in which there is a foreign element, the issue of conflict of laws comes up. The main issue of this article is looking at the conflict of laws in international private and family law in the Islamic Republic of Iran. This matter is important from the point of view that the legal relations with external elements have a legal system and the purpose of this article is to combine and combine the interests and conflicting interests regarding the selection of the competent law. This research investigates this issue with descriptive analytical method with library sources. The findings show that in the discussion of conflict between family laws, increasing the level of awareness and knowledge of couples regarding the principles governing the family and the rights arising from it can play an effective role in the practical realization of these principles.

Key words: conflict of laws, private international law, personal status, moving conflict